نماد و معنا در هوش مصنوعی

سؤال اصلی من این این بود: با این توضیحاتی که عرض کردم، تا بایت بگویند، تا بیت بگویند، ما عینکی پیدا کردهایم که میبینیم اصالً مفهوم بیت، کی معنا است و در سختافزار، ما بیت نداریم. درست است که بدنه فیزیکی، علی البدل نشان میدهد و میتواند نماد شود، اما مفهوم بیت، کی مفهومی است که بشر آن را درک میکند و اعمال میکند؛ و همینطور بایت و سائر آن. بنابراین همه اینها نرمافزار هستند؛ همه حالت نرم دارند؛ یعنی مربوط به ذهن ما هستند که سختافزار را مدیریت میکنیم و بر روی آن قرارداد میکنیم. ما اینها را میفهمیم و انجام میدهیم، ولی خود آن ماشین که نمیفهمد. خود آن ماشین، سختافزارش است و اموری که مرتب در متن سختافزار آن صورت میگیرد. نرمافزارها در ذهن ما شکل میگیرد. در این لایه سختافزار به هیچ وجه فهم نداریم و حالت صوری محض دارد.

این را هم عرض کنم؛ اگر یادتان باشد عرض کردم که هر چیزی میتواند نماد و نشانه قرار بگیرد و هر چیزی که میتواند نشانه قرار بگیرد سه چیز در آن هست: یکی معنای ذاتی خودش است. یعنی میتوانیم توضیح دهیم که این نماد چیست. مثلاً میگوییم «ز» یک صوت است که معنای ذاتی دارد؛ یعنی توصیفی است که تبیین میکند نفس این نماد چیست. دوم، معنایی دارد که منتسب به آن است؛ هر شیءای که معنای ذاتی و توصیف ذاتی دارد، یک چیزهایی با آن منتسب است. اصلا تشبیهات از کجا میآید؟ از اینجا میآید که اشیاء با هم رابطهها و شباهتها دارند و اینها هم در دستگاه خدای متعال، تکوینی است. هر چیزی که میتواند نشانه شود، دو معنا دارد که از آن جدا نمیشود؛ معنای ذاتی خودش و معنای منتسب طبع معنای ذاتی. اینها را که کنار بگذاریم، در دستگاه بشر هر شیئی میتواند نشانه قراردادی شود. یعنی ما قرارداد کنیم که این شیء بر یک معنا دلالت کند و با یک معنا چوش بخورد؛ دلالت وضعیه و قرن اکیدی که در ذهن، با وضع صورت میگیرد. در اینجاست که وقتی میگوییم یک چیزی معنا دارد، آن معنای قراردادی، قابل درک برای سطح ماشین نیست. قرارداد، کار بشر است. آن دو معنا (معنای ذاتی و معنای دارای تناسب طبعی) را هم بشر درک میکند، ولی اینجا در ماشین، این قرارداد را نداریم. خود این عملیهٔ الوضع و قرارداد میتوانیم در سطح هوش مصنوعی پیاده کنیم یا نه؟ بله، میشود. یعنی برنامه به حدی میرسد که خودش بین نمادها با معانی رابطه برقرار میکند؛ بین این دو ارتباط برقرار میکند و آن قرن اکیدی که در ذهن ما میشود را آنجا میگوید این با این مرتبط است. ارتباط بین آنها برای این هوش مصنوعی، امر آسانی است، اما نه در سطح ماشین که چیزی نمی فهمد، بلکه در سطحی که خود آن معانی فعال هستند. ان شاء الله در جلسه بعدی عرض میکنم که در لایههای بعدی به یک سطحی میرسیم که در آن سطح، پایه فراهم شده برای فعال شدن آگاهی پایهمحور و امثال آن.

شاگرد: وقتی سطح آن پیچیده شده، تفاوتی نمیکند و همان پایینی که نمیفهمد را ما بالا میآوریم.

استاد: وقتی پیچیده شد، شأنیت ظهور یک معنا را پیدا میکند. نه اشراق. اشراقی که آن را به آن داده بدهند، منظورم نیست. منظورم این نیست که در موطن تجرد باشد و آن را بدهند. مثل مثال آب؛ اکسیژن جدا و هیدروژن جدا، خواص آب را ندارند و همین جوری در کنار هم تا به ترکیب آب در ننایند که آب نیستند. خدای متعال یک ترکیب غامض شیمیایی برای آنها تشکیل میدهد تا یک پایه درست شود، نه اینکه از جای دیگر اشراق نفسانی شود، بلکه پایه برای اینکه یک طبیعتی که آب است، در اینجا ظهور کند. اگر این غموض نبود، آن طبیعت ظهور نمی کرد. ولو الآن

و ن هدروژ و اکسیژن ترکیب شده‌اند و حقیقت مولکول آب پدید آمده. وقتی هم این مولکول‌ها تجمیع شدند یک چیزی به نام آب داریم، با خواصی که کاملاً متفاوت از خواص هیدروژن و اکسیژن است. من اینها را عرض می‌کنم که متوجه باشید که در بحث ما، غامض شدن مهم است. یعنی وقتی بیتها به نحو کامل غموض کنار هم قرار گرفتند و منظم شدند، الآن دیگر وقتش است که چیزی ظهور کند که نفس‌مندی هم در آن نیست، اما مثل آب که این همه خواص دارد، آن هم خواص دارد. ما اسم آن خواص را آگاهی پایه‌محور گذاشتیم؛ همین چیزی که خدمت آقایان عرض کردم که می‌بینیم که به از استاد شده؛ که به‌خاطر غموض پایه، ظهور کرده؛ چیزهایی ظهور کرده که نفس مشرق آنها هم آن را دارد. نظیر آن هم در امور فیزیکی زیاد است.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 22 اکتبر 2024 14:09:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 اکتبر 2024 14:23:09 توسط ... .